

حقوق مدنی

اگر اه معامله نماید در این صورت تاثیر عقد منوط به رضایت جدید پس از رفع اشتباه و اگر اه خواهد بود .

(۱ - قصد طرفین و رضای آنها)

قصد انشاء و واقع ساختن معامله یکی از شرایط اساسی صحت معامله است و برای اطلاع بر آن باید امری در خارج ایجاد شود که دلالت بر آن قصد داشته باشد . آن امر بالنسبه باشخاص و حالات فرق مینماید و ممکن است بوسیله نوشته لفظ اشاره و یا فعل باشد .

قصد انشاء باید از ناحیه طرفین بوده و آنچه از طرف کسی است که عقد را واقع میسازد ایجاب و آنچه از طرف دیگری است که آنرا می پذیرد قبول می گویند . چون ممکن است طرفین یا یکی از آنها برای خود و یا بعنوان وکالت از غیر معامله بنمایند و نوعاً معاملاتی را که اشخاص واقع می سازند برای خود آنها است لذا هر کس که معامله نماید و تصریح نکند که برای شخص ثالثی است برای خود او محسوب می شود و عهده دار تمامی تکالیف مترتبه بر آن خواهد بود .

چنانکه کسی مالی را به نسیه بخرد پرداخت ثمن بعهده او است اگر چه عقد را برای غیر واقع ساخته باشد . ولی در صورتیکه ثمن یا ثمن عین متعلق بنسب باشد آن معامله برای صاحب آن عین واقع میشود زیرا مال از ملکیت هر کس که خارج شود عوض آن در ملکیت او داخل خواهد شد .

چون هیچ امری جز بموجب قانون و یارضای شخص بر او تحمیل نمیشود و همینقسم حقوق شخص جز بموجب قانون یارضای او سلب نمیشود و نتیجه معامله هم سلب حق و یا تحمیل است . لذا رضای طرفین یکی از ارکان اساسی صحت معامله شمرده شده است

۴ - عقد منجز آنست که تاثیر آن بر حسب انشاء بوده و موقوف به امر دیگری نباشد مانند عقد اجاره که اثرات آن بلافاصله پس از عقد پیدا خواهد شد .

۵ - عقد معلق آنست که تاثیر آن طبیعتاً موقوف به امر دیگری باشد مانند عقد وصیت که اثرات آن موکول بطوت موصی است .

دو قسم دیگر از عقود موجود است که قانون مدنی در تقسیم بندی خود ذکر کرده و آن عقد معوض و عقد غیر معوض است .

عقد معوض آنست که در مقابل تمهد یا تملیک یک طرف تمهد و تملیکی از طرف دیگر موجود باشد چنانکه در بیع است .

بالعکس عقد غیر معوض آنست که تمهد و تملیک فقط از یک طرف بوده چنانکه در هبه است .

شرایط اساسی برای صحت معامله

قانون مدنی چهار امر را شرایط اساسی صحت معامله دانسته که هر گاه یکی از آنها موجود نباشد معامله باطل بوده و اثرات مقرر را دارا نخواهد بود - آنها عبارتند : ۱ - قصد طرفین و رضای آنها ۲ - اهلیت طرفین ۳ - موضوع معین که مورد معامله باشد ۴ - مشروعیت جهت معامله بنابراین هر گاه در عقدی یکی از شرایط فوق موجود نبوده چنانکه مثلاً شخصی در خواب یا بیهوشی معامله بنماید چون قصد موجود نیست آن عقد باطل خواهد بود ولی هر گاه شرایط مزبوره تمام جمع باشد ولیکن در نتیجه امر خارجی از تاثیر آن جلوگیری شده آن عقد غیر نافذ میباشد صحت و نفوذ آن منوط بر رفع آن علت است چنانکه کسی در اثر اشتباه در مورد یا

اهلیت بر دو قسم است .

الف - اهلیت برای دارا بودن حقوق و آن توانائی است برای انسان که بتواند موضوع حقوقی واقع شود . اهلیت مزبور از زمان انعقاد نطفه در صورتی که زنده متولد شود شروع می شود و با مرگ او تمام می گردد .

بنابر این هر گاه کسی بمیرد و زنت حامله باشد حمل مزبور در صورتیکه زنده تولد شود از ترکه پدر خود سهم خواهد بود .

ب - اهلیت برای اعمال حقوق و آن توانائی است برای انسان که بتواند حقوق خود را اعمال نماید . چون دارا بودن حقوق کافی برای حق اعمال نمی باشد زیرا اعمال حق منوط به رسیدن انسان است پسر حمله از نمو قوای دماغی که بتواند بصلاح خود آنها انجام دهد و همچنین اهلیت است که قانون دومین شرط صحت معامله دانسته است .

برای اهلیت متعاملین ماده ۲۱۱ قانون مدنی سه امر : بلوغ ، عقل و رشد و شرط را شرط دانسته .

۱ - بلوغ و آن رسیدن انسان به سنی است که قانون فرض نائل شدن او را بمرتبگی کافی از قوای دماغی و رشد نموده است سن مزبور بر طبق ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی ۱۸ سال تمام میباشد معذک میتوان بعد از ۱۵ سال تمام رشد کسی را در محکمه ثابت نموده مناط تشخیص سن اوراق شناسنامه اشخاص است .

فرض قانون در داشتن رشد پس از ۱۸ سالگی در صورتی مؤثر است که خلاف آن ثابت نشود و الا در صورتی که ثابت گردد کسی با رسیدن سن بلوغ رشد ندارد سفیه بوده و مجبور شناخته می شود و معاملاتش نافذ نمی باشد .

۲ - رشد و آن حالتی از قوای دماغی است که انسان میتواند در آن حالت بد را از خوب تمیز دهد و دارائی خود را در اغراض عقلانی صرف نماید .

در دو مورد که یکی اشتباه و دیگری اکراه است از تأثیر رضا در معامله جلوگیری میشود و چنین معامله بر طبق ماده ۱۹۹ قانون مدنی نافذ نمیباشد .

الف - اشتباه و آن تصور خلاف واقع است در امری اشتباه در موردی مؤثر خواهد بود که رضایت را متزلزل نماید و آن در صورتی است که اشتباه مربوط به مورد معامله باشد چنانچه کسی کتاب گلستان را میخرد و طرف او بگمان آنکه کتاب بوستان سعدی را خواسته معامله را قبول می کند در این صورت معامله مزبوره نافذ نمیباشد .

چون در معاملات مخصوصاً عقود موضوعه شخصیت طرفین موضوعیت ندارد لذا اشتباه در آن موجب عدم نفوذ معامله نیست ولی بالعکس در مواردیکه شخصیت طرف علت عمده عقد بوده اشتباه در آن موجب عدم نفوذ معامله می باشد مانند شخصیت در مورد هبه چنانکه هر گاه کسی مالی را بدیگری هبه نماید بگمان آنکه برادرزاده او است و بعد معلوم شود که دیگری است آن معامله نافذ نمی باشد .

ب - اکراه و آن اجبار نمودن شخصی است بر عملی چنانچه قانون مدنی میگوید اکراه با عملی حاصل میشود که مؤثر در هر شخص با شعوری بوده و او را نسبت بجان یا مال یا آبروی خود یا یکی از اقوام نزدیک او مانند زوج - زوجه - پدر و مادر تهدید کند پنجوی که عادتاً قابل تحمل نباشد و مجرد خوف بدون تهدید اکراه محسوب نیست .

در مورد اکراه سن - شخصیت - اخلاق - مرد و یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود . بنا بر این ممکن است امری در شخصی اکراه محسوب شود و در دیگری نشود - تشخیص اکراه بنظر عرف است .

(۲ - اهلیت طرفین)

اهلیت اصطلاحاً توانائی قانونی است که برای انسان شناخته شده است .

۳- عقل و آن حالت سلامت قوای دماغی است-

زوال عقل را جنون گویند جنون ممکن است همیشگی بوده که آنرا دائمی نامند و ممکن است در بعضی مواقع بروز نماید که آنرا ادواری گویند .

شخصی که دارای اهلیت نبوده معاملاتش باطل خواهد بود مذلك صغير و سفیه میتواند تملك بلا عوض بنماید مانند قبول هبه و صلح بلا عوض .

(۳ - مورد معامله)

مورد معامله مال یا عملی است که عقد بر آن واقع و بموجب آن عقد انتقال داده می شود و یا تعهد بتسلیم و ایفاء آن می گردد برای آنکه معامله صحیح واقع شود باید مورد آن دارای شرایط ذیل باشد .

الف - مالیت داشته باشد یعنی قابلیت داشته باشد که در مقابل آن مالی داده شود .

ب - متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد یعنی دارای منفعتی باشد که دادن مال در عوض آن عرفاً سهوی نباشد و قانون هم استفاده آنرا منع ننموده و مخالف با انتظامات عمومی و اخلاق حسنه نباشد .

ج - مبهم نباشد - مورد معامله باید بین طرفین معلوم بوده . معلومیت بالنسبه بطبیعت اشیاء فرق مینماید . مثلا اشیائی که به مقیاس وزن و طول سنجیده می شوند باید مقدار آن بوسیله مقیاس مزبور معلوم شود .

در بعضی معاملات مانند صلح علم اجمالی بمورد معامله کافی برای صحت عقد است و معلومیت آن لزومی ندارد .

شرایط دیگری نیز مورد معامله باید دارا باشد که قانون مدنی از نظر وضوح بذکر آن نپرداخته است مانند امکان نقل و انتقال و قدرت بر تسلیم هرگاه مال باشد و امکان انجام آن هرگاه عمل باشد .

(۴ - جهت معامله)

جهت معامله علت و مقصودی است که برای رسیدن به آن معامله واقع می شود .

در معامله لازم نیست که متعاملین بجهت آن تصریح نمایند ولی در صورتیکه تصریح به آن بشود باید مشروع باشد یعنی قانون آنرا منع ننموده و مخالف با اخلاق حسنه و انتظامات عمومی نباشد و الا برطبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی معامله مزبور باطل خواهد بود .

مثلا در مورد خرید سم هرگاه خریدار تصریح کند که برای مسدوم نمودن خود می خواهد آن معامله باطل است .

هرگاه ثابت شود که معامله بقصد فرار از پرداخت دین واقع شده است چون نتیجه آن اضرار بطلبکاران است آن معامله نافذ نمیباشد .

اثر معاملات

هر معامله که واقع می شود باید آنرا صحیح دانست و آثار مقررده را بر آن مترتب ساخت مگر آنکه فساد آن معلوم و ثابت گردد که در این صورت کلیه عملیاتی که بتصور صحت معامله انجام شده باید بصورت اولیه برگردد .

در مواردیکه بین متعاملین راجع بمعانی الفاظ عقود و الفاظ استعمال شده در معاملات و همچنین قرار داد ها اختلاف شود معانی که در عرف از آن الفاظ فهمیده میشود منطبق میباشد و الفاظ بر آن معانی حمل میگردد .

معامله پس از آنکه مطابق مقررات قانونی واقع شد بین متعاملین وقائم مقام آنها لازم الاتباع است و بالنسبه باشخاص ثالث بهیچوجه اثری نخواهد داشت .

مقصود از قائم مقام وراث متعاملین و یا کسانیکه موضوع مورد معامله بعدآ به آنها انتقال داده شده میباشد چنانکه هرگاه کسی پس از قرار دادن حق العبور در ملك خود آنرا بفروشد قرارداد مزبور بالنسبه بمشتری نیز لازم الاتباع است .

معلوم است اثرات معامله مادامی است که آن معامله بحال خود باقی باشد و الا هرگاه طرفین آنرا برضای خود اقاله نمایند و برهم زنند و یا یکی از آنها بعلت قانونی آنرا فسخ کند اثرات آن قطع می شود .

مورد معامله و تههد نه فقط چیزی است که در حین معامله به آن تصریح شده باشد بلکه کلیه نتایج آن خواه عرف و عادت آنرا از نتایج معامله بداند و خواه قانون مورد معامله بوده و متعادلین ملزم بانجام آن هستند زیرا گرچه متعادلین بذکر چنین نتایجی نپرداخته اند ولی مانند آن است که در معامله به آن تصریح شده باشد. متعهد ملزم است که تههد خود را در موعدهی که برای انجام آن در عقد معین گردیده و یا عرفاً برای آن معین شده وفا نماید و هر گاه وفا ننمود و یا در وفای آن تاخیر نمود مسئول بر خسارتی است که متوجه متعهد له می گردد.

مسئولیت مزبور در صورتی است که انجام تههد در حیطه اقتدار متعهد بود باشد بنابراین هر گاه تههد در اثر علت خارجی مانند سرقت مورد عقد و حادثه فوق-العاده عمومی مانند سد راه در اثر برف بوده باشد متعهد مسئولیتی نخواهد داشت.

خسارت ضرری است که در اثر امری به کسی متوجه می گردد. خسارت بردو قسم است: خسارت مادی و عدم النفع.

۱- خسارت مادی آنست که مالی از کسی تلف گردد. متعهد در موقعی مسئول خسارت مزبور می باشد که مستقیماً از عدم انجام تههد پیدا شده باشد چنانکه در اثر نرساندن آذوقه در موعده معین اسب های متهدله تلف شود.

۲- عدم النفع آنست که کسی از بردن نفعی محروم گردد و آن در موقعی میتواند جزء خسارت محسوب شود که وجود آن در صورت انجام تههد محقق باشد. ماده ۳۷ قانون تسریع محاکمات عدم النفع را در مورد تنزل قیمت تصریح نمی کند.

چنانکه کسی تههد بتسلیم ذوالغال در موعدهی بنماید که ارزش هر خرواری ۱۶۰ ریال بوده ولی در موقع تسلیم قیمتش تنزل نموده و هر خرواری یکصد ریال ارزش داشته

باشد در این صورت متعهد علاوه بر تسلیم ذوالغال پرداخت شصت ریال خسارت تنزل برای هر خرواری ملزم می گردد.

آنچه ذکر گردید در موضوع خسارات راجع بنیر وجه نقد از اموال دیگر می باشد که مورد تههد واقع گشته و لیکن هر گاه مورد تههد وجه نقد باشد و متعهد در موعده مقرر نپردازد خسارتی که از تاخیر تادیه آن متوجه می گردد که ربح نامیده می شود و بطریق ذیل معین می گردد.

نرخ ربح قانونی از قرار صدی پانزده در سال است در صورتیکه مورد حکم محکمه واقع گردد و صدی ۱۲ در سال است در صورتیکه مورد ورقه لازم الاجراء در ثبت اسناد قرار گیرد.

متعهد در صورتی باید ربح قانونی را بپردازد که بین او و متعهد له وجه التزامی معین نشده باشد و الا هر گاه وجه التزامی معین شده متعهد ملزم بپرداخت آن وجه التزام میگردد.

در هیچ مورد وجه التزام نمیتواند از نرخ ربح قانونی تجاوز و تلاوه گردد و الا فقط در حدود نرخ مزبور مورد حکم یا ورقه لازم الاجراء واقع میشود. ولی هر گاه کمتر از آن باشد همان مقدار مورد حکم و یا ورقه لازم الاجراء قرار میگیرد.

خسارت تاخیر تادیه در مورد معاملات استقراضی (غیر از معاملات با حق استرداد مذکور در ماده ۳۳ قانون ثبت اسناد) از تاریخ دادن اظهار نامه رسمی یا عرض حال به محکمه محسوب خواهد شد و در مورد معاملات با حق استرداد از تاریخ انقضاء مدت احتساب می گردد.

شرایط ضمن عقد

طرفین معامله میتوانند در ضمن عقدی که واقع می سازند شرایط راجع به همان عقد یا موضوعات دیگر بنمایند.